

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد ستار "حبیب"

۰۴ فبروری ۲۰۲۴



استاد ستار حبیب

## آزادی را نباید فدای آبادی کرد!

آزادی مقوله مقدسی است که به خاطر حصول آن آگاه ترین و بادانش ترین مردمان یک جامعه قربانی می شوند پس بهای آزادی را می توان از این جا حدس زد.

اولاً باید آزادی را از انار شیزم و اوباشیزم مجزا و تفکیک کنیم:

در نخست باید بگویم که هیچ انسانی آزاد نبوده و نیست ناگزیر است تابع قوانین طبیعت و قانون اجتماعی حرکت کند. آزادی در واقعیت امر یعنی انتخاب قانون درست است طور مثال راننده ای که در جاده تمام قوانین رانندگی را در نظر دارد و عملی می کند سر انجام بدون حادثه به منزل مقصود می رسد این خود آزادی است پس می توانیم که بگوئیم آزادی یعنی انتخاب قانون صحیح .

آزادی از دید سیاسی یعنی تقبل مسؤولیت با پاسخگو بودن.

آزادی در یک جمله یعنی آماده ساختن زمینه و شرایط مساعد برای رشد عقل و در نتیجه بار آمدن انسان های سالم فزیک و روانی. از این جا است که ما به مقام عالی آزادی پی می بریم انسان های خلاق و مبتکر تربیت شده همچو یک جامعه ای می باشند و نه جوامع استبدادی. در جامعه اگر آزادی وجود داشته باشد انسانهای این جامعه با یک چهره تربیت می شوند به گفته فروغ فرخزاد آنهایی که در ظاهر دست مرا می بوسند ولی در ذهن خود طناب دار مرا می بافند و این گفته فروغ معرف یک جامعه استبدادی است. پس آزادی سبب می شود تا انسان های سالم فزیک و روانی تقدیم جامعه گردد در جامعه عقل رشد می کند که در آنجا شرایط مذاکره، استدلال و بیان اندیشه و نظریات بدون سانسور وجود داشته باشد. آزادی عامل اصلی و اساسی رشد عقل و به بلوغ رسیدن آن است .

چون غذای عقل که سبب رشد و انکشاف آن می شود استدلال ورد و بدل کردن نظریات اندیشه های بدون سانسور است پس باید آزادی را محترم شمرد آن را در محراق قرار داد واز آن به دفاع بر خاست و قربانی داد و انسان های با روان سالم محصول همچو جوامع می باشند و هستند که در آن جا آزادی وجود دارد انسان های یک چهره و یک رنگ محصول این گونه جوامع اند.

به گفته فروغ فرخزاد آنهایی که در ظاهر دست تو را می بوسند و در ذهن خویش طناب دار تو را می بافند دیگر در یک جامعه آزاد با این طرز دو گانه وجود نخواهد داشت .

عقل و اخلاق باهم رابطه تنگاتنگ دارند و در جامعه ای که عقل رشد نموده متناسب به آن اخلاق هم رشد و ارتقا نموده است.

در جامعه ای که آزادی وجود ندارد عقل هم تعطیل شده است. جامعه ما که طولانی ترین دوران استبداد را تجربه می کند نتایج این استبداد را بعد از کودتای ثور کاملاً زیر نظر داریم بسا ویرانی های زیر بنایی مادی و معنوی ما به دست مردمان کشور ما صورت گرفته است اگر زمینه و شرایط اندیشیدن در گذشته برای آنها مساعد ساخته می شد دیگر کشور به سوی بر بادی کشانیده نمی شد در کشوری که آزادی وجود نداشته باشد منافع ملی هم اثر انگشتی در آنجا وجود نخواهد داشت. در جوامعی که آزادی وجود نداشته باشد یعنی سیستم های استبدادی حاکم بوده و باشد مردم همچو جامعه به مثابه گوسفندان هستند که توسط چند چوپان اداره می شوند این خود اهانت به مردمان آن جامعه است.

فقط اندیشیدن است که انسان را به مقام انسانی می رساند و به گفته یکی از دانشمندان که گفته بهترین سرمایه نه دین است نه نفت و نه معدن بلکه آزادی برای مذاکره و بحث است که انسان های سالم به جامعه تحویل می دهد و در غیر آن انسان های مریض هر آنچه آباد شده با تغییر شرایط سیاسی به دست خویش ویران می کنند .

انسان های سالم می اندیشند خلق می کنند از آنها حمایت و نگهداری می نمایند

در طول تاریخ کشور ما به جز سیستم های استبدادی حاکم به سر نوشت ملت ما چیز دیگری وجود نداشته و هیچ یک ازین سیستم های استبدادی بر تری به دیگری نداشته است چون همه استبدادی بوده اند.

وقتی ما به صفحات مجازی متوجه می شویم جز اسلام عدالت اجتماعی مضمون دیگری به نظر نمی آید .

مردم ما که اصلاً با آزادی آشنائی ندارند تا برای دفاع از آن به پا خیزند و از آن دفاع کنند

گاهی از عدالت نام می برند بدون آگاهی از استقلال سیاسی و آزادی واقعی آیا می شود از عدالت اجتماعی سخن زد ؟

شعار ها تا دیروز مجاهد و حکومت اسلامی بود ولی دیدند که تشت رسوائی شان از بام پائین افتاده حال مقوله آزادی را فریاد می زنند و آزادی نزد این آقایان فقط سهم گرفتن و شریک قدرت سیاسی شدن است.

با آه و افسوس که امروز جامعه ما به سوی نابودی کشانیده می شود در جامعه ای که اندیشیدن و بیان عقاید و نظریات از مردم سلب می گردد در همچو جامعه ایست که عقل به زوال می رود و تعطیل می شود عواقب همچو جامعه و مردم را خود حدس بزنید .

این نبشته کمبود هائی دارد امید است در تصحیح و بسط و توسعه آن بنده را یاری رسانید.